

از چشمه اول مه در سقز، تا دریای همبستگی جهانی

رضا مقدم – سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۷

به نقل از به پیش! ۳۰ یکشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۲۰ آپریل ۲۰۰۸

محمود صالحی روز یکشنبه هجدهم فروردین ۱۳۸۷ و پس از یک سال از زندان سنندج آزاد شد. بیشک همه فعالین جنبش کارگری ایران از آزادی محمود شادمان اند، و تاکنون نیز سیل پیام های تبریک و شادباش برای محمود و خانواده اش ارسال شده است و ارسال شان همچنان ادامه دارد. ما نیز به سهم خود آزادی محمود را به خودش، خانواده اش، کمیته دفاع از محمود صالحی، و به ویژه به همسرش، نجیبه صالح زاده که در تمام این مدت رنج و زحمت چند جانبه ای را متحمل شد و لحظه ای از تلاش برای آزادی محمود صالحی از پای ننشست شادباش می گوئیم. اما مقاله کوتاه حاضر تلاش می کند تا جایگاه عینی دستگیری و حبس محمود صالحی و کمپین آزادی او را در متن مراحل جنبش کارگری ایران بررسی کند.

برای آزادی به موقع محمود صالحی به مدت یکماه بزرگترین کمپین تاریخ جنبش کارگری ایران در داخل و خارج کشور در جریان بود. برای روز ۶ مارس و به دعوت مشترک اتحادیه جهانی کارگران ترانسپورت، و "آی تی یو سی" کمپینی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسالو فراخوان داده شد که سازمان عفو بین الملل به آن پیوست و سایت کارگری "لیبر استارت" نیز یکی از بزرگترین کمپین های خود را در دفاع از آن سازمان داد. به این فراخوان بسیاری از احزاب و سازمان های چپ و همچنین ۱۴ نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور نیز پاسخ مثبت دادند و طی آن در بیش از ۴۰ کشور آکسیونهای اعتراضی در مقابل سفارتخانه ها و مراکز نمایندگی رژیم اسلامی برگزار شد.

از آنجا که از آکسیونهای جهانی ۶ مارس تا پایان محکومیت یکساله محمود صالحی تنها حدود یکماه باقی مانده بود، اعتراضات برای آزادی به موقع محمود صالحی که با اعتصاب غذای خود وی هم همزمان شد توسط فعالین جنبش کارگری و حامیانش ادامه یافت و به تحصن و اعتصاب غذا و تجمعات متعددی در شهرها و کشورهای مختلف منجر شد که اوج آن تجمع روزهای چهارم و پنجم فروردین در مقابل زندان مرکزی و دادگستری سنندج و برای آزادی بی قید و شرط محمود صالحی بود که به فراخوان کمیته دفاع از محمود صالحی برگزار شد. کمیته دفاع از محمود صالحی از هنگام تشکیل تاکنون یک نقش کلیدی و غیرقابل جایگزین داشته است و از جمله از طریق اطلاع رسانی گسترده و به موقع از وضعیت محمود صالحی بخوبی کمپین آزادی محمود صالحی را در جنبش جهانی کارگری به آخرین اخبار و اطلاعات مجهز کرد. نقشی که در دوران دستگیری و محاکمات دستگیرشدگان اول ماه مه سقز انجمن کارگری جمال چراغ ویسی داشت.

مقامات قوه رسوای قضائیه کوشیدند تا محمود صالحی را که بخاطر سازماندهی تظاهرات برگزار نشده اول ماه مه سفر سال ۱۳۸۳ به یک سال حبس تعزیری و ۳ سال حبس تعلیقی محکوم شده بود شامل اتهامات زنجیره ای کنند و لذا اندکی قبل از پایان محکومیت یکساله اش وی را به دلیل انتشار پیامهایی محاکمه کردند. محمود صالحی در اعتراض به این اقدامات دست به اعتصاب غذای خشک زد و این در کنار بیماری کلیوی که داشت سلامتتش را بطور جدی دچار مخاطره کرد و هیچ راهی بجز تشدید اعتراضات و آکسیونها و مبارزه برای آزادی محمود صالحی و تقاضاهای مکرر از خود او برای قطع اعتصاب غذایی نبود.

جنبش کارگری پر فراز و نشیب ایران را می توان به مقاطع و دوران مختلفی تقسیم کرد. یکی از این مقاطع ورود جنبش کارگری ایران به یک دوران تازه و روبه پیش از اول ماه مه سال ۱۳۸۳ می تواند باشد که نسبت به ما قبل خود متفاوت است. محمود صالحی در ورود جنبش کارگری ایران به این دوران تازه یک سهم کلیدی داشته است. مثلاً هم از زاویه ادغام جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری بین المللی و هم عروج مجدد جناح چپ و سوسیالیست جنبش کارگری و به حاشیه رفتن گرایش راست و فعالینش که با انتخاب خاتمی از منظر خود میدان دار بیان خواستههای جنبش کارگری شده بودند.

در هفته اول اردیبهشت سال ۱۳۸۳ هیاتی از کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری به ایران رفتند. خانه کارگر میزبان آنها بود و به همراه به بازدید از چندین مرکز صنعتی رفتند تا وضع کارگران ایران را مشاهده کنند. اما محمود صالحی هم برای دادن یک تصویر واقعی از وضعیت کارگران ایران به هتل محل اقامت این هیات رفت تا با آنها سخن بگوید؛ در حالی که مقامات رژیم با همکاری خانه کارگری ها هیات را زیر نظر داشتند تا مانع دیدار "غریبه" ها با این هیات شوند. این دیدار و وقایعی را که بدنبال داشت یک چاشنی بود به شرایط آماده عینی جنبش کارگری ایران برای ورود به یک دوران جدید.

محمود صالحی که محسن حکیمی را بعنوان مترجم همراه خود داشت گزارشی از اوضاع کارگران ایران به هیات کنفدراسیون داد. چگونگی ممنوع بودن برگزاری مراسم غیر دولتی روز کارگر را برای هیات کنفدراسیون تشریح کرد و آنها را از شرکت در مراسم روز کارگر خانه کارگر که قرار بود فردای آنروز، جمعه ۱۱ اردیبهشت، در میدان بهارستان برگزار شود منع کرد و در عوض آنها را دعوت کرد تا در مراسم غیر دولتی روز کارگر که از جمله قرار بود روز جمعه در خارج از تهران و شنبه در سفر برگزار شود دعوت کرد و در عین حال احتمال حمله رژیم به این مراسم و دستگیر شدن خود را نیز به اطلاع این هیات رساند. دیدار محمود صالحی هم گزارش غیر واقعی خانه کارگر از اوضاع جنبش کارگری ایران را خنثی کرد و هم باعث عدم شرکت هیات کنفدراسیون در مراسم خانه کارگر در میدان بهارستان شد که در آن سال از نظر نوع پلاکاردهای بزرگ و کوچک و نحوه حمل آن و همچنین ترکیب شرکت کنندگان مرد و زن بسیار به تظاهرات های اروپایی شبیه بود تا نوع معمول اسلامی خانه کارگر.

دو روز بعد از این دیدار، شنبه ۱۲ اردیبهشت، نیروهای امنیتی و نظامی رژیم با حمله به کارگرانی که راهی محل برگزاری تظاهرات روز کارگر سقز بودند بسیاری را بازداشت کردند که تنها هفت نفر را در زندان نگه داشتند. هیات اعزامی کنفدراسیون از ایران بازگشت اما قبل از آنکه ساکهای خود را باز کنند با خبر حمله نیروهای رژیم به مراسم روز کارگر سقز و دستگیری بسیاری و از جمله محمود صالحی مواجه شدند، درست همانطور که محمود صالحی احتمال آنرا پیش بینی و به اطلاع هیات کنفدراسیون رسانده بود. هیات اعزامی کنفدراسیون و مسئول آن خانم آنا بیوندی فوراً دست به کار شدند و قبل از آنکه حتی خبر این دستگیری در جنبش کارگری ایران کاملاً و وسیعاً پخش شود یک کمپین عظیم تبلیغاتی جهانی علیه دستگیری فعالین روز کارگر سقز برآه افتاد که در تاریخ جنبش کارگری ایران تا آن زمان بی نظیر بود.

براه افتادن کمپین جهانی در حمایت از کارگران ایران و بطور مشخص در دفاع از دستگیرشدگان سقز حاصل فعالیت بیش از دو دهه فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور بود. جلب حمایت برای جنبش کارگری ایران در خارج کشور و در دوران شاه در فعالیت نیروهای اپوزیسیون که اساساً در کنفدراسیون دانشجویی متشکل بودند، جای خیلی کمی داشت. اما با سرکوب پس از سال ۱۳۶۰ فعالینی از جنبش کارگری ایران نیز همراه با بخش بزرگی از نیروهای اپوزیسیون به خارج کشور گریختند. بسیاری از این فعالین جنبش کارگری، خارج کشور را ادامه فعالیت خود در جنبش کارگری ایران دانستند و در نتیجه ارتباط با تشکلهای کارگری کشور محل سکونت خود را آغاز کردند تا آنها را در جریان اوضاع کارگران ایران قرار دهند و به اعتراض به بی حقوقی کارگران ایران ترغیب و تشویقشان شان کنند. در نتیجه یک فعالیت پیگیر و مداوم که در مقایسه با دیگر فعالیتهایی که در خارج کشور صورت میگرفت "غیر جنجالی و بی شکوه و جلال" بود به مرور و در اواخر دهه ۶۰ تشکلهای کارگری و آنهم شعبه ها و واحدهای کوچک و محلی آنها اقدام به صدور قطعنامه و یا ارسال نامه به سفارت خانه های رژیم اسلامی کردند و به دفاع از حقوق کارگران ایران برخاستند که در ابتدا از جمله شامل محکوم کردن لایحه قانون کار بود و سپس با اعتراض وسیع به دستگیری ارسطو شعبانی و اعدام جمال چراغ ویسی، سخنران اول ماه مه سنندج در سال ۶۸ به اوج خود رسید.

در اثر پیشرفت این فعالیتهای، اعتراض اتحادیه های محلی به بی حقوقی کارگران ایران به اتحادیه های سراسری کشورها کشیده شد و این نوع فعالیتهای به اوج منطقی خود رسید در عین اینکه دو ضعف اساسی داشت. اولاً، برای اعتراض اتحادیه های کارگری به بی حقوقی کارگران ایران هنوز نیاز بود تا در هر مورد مشخص به آنها رجوع شود. حمایت از مبارزات و خواسته های کارگران ایران هنوز به بخشی از وظایف خود این تشکلهای تبدیل نشده بود و جزیی از کارکرد درونی خود آنها نبود و به این اعتبار خود فعالین اتحادیه های کارگری در کشورهای مربوطه مستقیماً در فعالیت های دفاع از کارگران ایران دخیل نبودند و کمپین اساساً محدود به فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور بود. دوماً، اعتراضات در حد اتحادیه های سراسری یک کشور بود و فراتر از آن به اتحادیه های جهانی یک رشته معین ختم میشد. بطور مثال در اواخر خرداد

سال ۱۳۷۰ و در اعتراض به اعدام عبدالله بیوسه از فعالین کارگران خباز مریوان، اتحادیه جهانی کارگران مواد غذایی وارد عمل شد و از جمله به سازمان جهانی کار شکایت کرد.

با جمع‌بندی از سالها فعالیت به منظور جلب همبستگی برای کارگران ایران، "اتحاد بین المللی در حمایت از مبارزه کارگران در ایران" در ژانویه ۲۰۰۰ تشکیل شد. (۱) همین "اتحاد بین المللی .." با کمک "انجمن کارگری جمال چراغ ویسی" که توسط فعالین جنبش کارگری در کردستان و در روز کارگر ۱۳۸۰ تشکیل شده بود، در سازماندهی دیدار محمود صالحی با هیات کنفدراسیون در تهران نقش اصلی را داشتند. (۲) به این ترتیب "انجمن کارگری جمال چراغ ویسی" و "اتحاد بین المللی ..." در یک همکاری فشرده و تنگاتنگ با هم قرار گرفتند. "انجمن" با توجه به امکانات و روابط دیرینه فعالینش با جنبش کارگری در کردستان یک اطلاع‌رسانی سریع و موثق را به عهده گرفت و "اتحاد بین المللی ..." با اتکا به روابط و تجربیاتی که حاصل بیش از دو دهه فعالیت برای جلب همبستگی با کارگران ایران در خارج کشور بود، رابط کمپین جهانی برای آزادی دستگیرشدگان سقز با جنبش کارگری ایران شد. این کمپین که با دستگیری روز کارگر سقز در سال ۱۳۸۳ آغاز گشت و سپس دفاع از سندیکای شرکت واحد هم به آن افزوده شد طی سه سال گذشته در خارج کشور باعث یک موج روی آوری مجدد برای فعالیت در دفاع از کارگران ایران شده است که یکی از تبعات آن تشکیل بیش از ده کمیته در کشورها و شهرهای مختلف است. با تشکیل این کمیته‌ها کمپین دفاع از کارگران ایران که ابتدا تنها جنبه تبلیغاتی داشت قدرت بسیج و برگزاری تظاهرات و تجمع در شهرها و کشورهای مختلف را نیز یافته است. در همین راستا تشکلهای کارگری جهانی نیز در کنار یک تبلیغات وسیع جهانی در محکومیت رژیم اسلامی و دفاع از حقوق کارگران ایران دو بار فعالین خود را به تظاهرات و تجمع در مقابل سفارتخانه‌ها و مراکز رژیم اسلامی فرا خواندند که آخرین آن در ۶ مارس امسال برای آزادی اسالو و صالحی بود. به دنبال فراخوان ۶ مارس امسال که ۱۴ نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج کشور هم به آن پیوستند در بیش از ۴۰ کشور تجمعاتی در مقابل مراکز و سفارتخانه‌های رژیم اسلامی برگزار شد و با ادامه یکماهه آن برای آزادی محمود صالحی در چندین شهر تحصن و اعتصاب غذا صورت گرفت و در اوج آن در ایران دو تجمع در روزهای چهارم و پنجم فروردین در مقابل زندان مرکزی و دادگستری سنندج و به فراخوان کمیته دفاع از محمود صالحی برگزار شد.

جدا از تاثیر این همبستگی بین المللی بر هدف مستقیم کمپین که طبعا آزادی محمود صالحی بود، از نظر ارتقا سطح فرهنگ طبقاتی کارگران ایران نیز این حرکت یک دستاورد بزرگ است و می‌تواند باعث یک جهش در این زمینه شود. در اروپای اواخر قرن هجدهم و قرن نوزدهم نخستین نسل طبقه کارگر در کشورهای صنعتی اروپا طی سالهای طولانی و تجربه گام به گام از "انجمن‌های مکاتباتی" و کلوب‌های محلی آغاز کرد تا بتدریج به درک همسرنوشتی و اعلام همبستگی با واحدهای صنعتی مختلف رسید و بعدها به درک همبستگی کل طبقه کارگر در قاره اروپا دست یافت و نخستین "بین الملل کارگران" را تشکیل داد. نخستین نسل کارگران صنعت مدرن ایران،

که عمدتاً همراه با صنعتی شدن ایران در نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفت، لازم نداشت تا تمام مراحل برادران و خواهران خود در اروپا را در مدتی طولانی تکرار کنند.

کارگران ایران بجای اینکه همبستگی طبقاتی را در عمل ابتدا از سطح واحدهای یک کارخانه آغاز کنند تا ضرورت همبستگی در سطح یک شهر یا یک رشته صنعتی و بعد سراسری را تجربه کنند، اکنون تجربه کارایی یک همبستگی بین المللی باعث می شود تا شکل دادن به حمایت متقابل بخشهای طبقه کارگر و اعلام همبستگی در سطح یک کارخانه، یک شهر، یک رشته صنعت و حتی در سطح کشوری بسهولت انجام گیرد. اکنون و خصوصاً بنابه همین تجربه اخیر می توان درک همسرنوشتی و اعلام عملی همبستگی برای طبقه کارگر ایران را ارتقا داد و حتی در سطح کشوری نیز آنرا برای بخش های عقب افتاده طبقه کارگر ایران به سرعت به فرجام رساند.

تا قبل از روز کارگر ۱۳۸۳، گرایش راست جنبش کارگری ایران که اساساً در هیات موسس سندیکاها متشکل بود تقریباً تنها صدای متشکلی بودند که بطور علنی از جنبش کارگری شنیده میشد. چرا که با رئیس جمهور شدن خاتمی و عروج جنبش اصلاحات سیاسی، جناح راست جنبش کارگری و فعالینش نیز از رخوت نزدیک به دو دهه خود بیرون آمدند و از قضا خیلی هم از جانب اصلاح طلبان و مطبوعات چپ های لیبرال و غیره لانس شدند. اینها مطابق سنت و مواضع بنیادی و دیرینه اشان که متکی بر همکاری طبقاتی است معمولاً هنگامی فعال می شوند که متحدینی در بالا وجود داشته باشد که خواهان همکاری طبقاتی باشد و طبعاً با تضعیف آن متحدین در بالا، فعالیت های گرایش راست جنبش کارگری نیز مانند موقعیت کنونی به محاق می رود و به حاشیه رانده می شود. اما گرایش چپ جنبش کارگری که فعالینش اساساً در محافل نیمه مخفی نیمه علنی فعال بودند مدتها طول کشید تا صفوف خود را که در سرکوب خونین دهه ۶۰ متحمل ضربات اساسی شده بود مجدداً بازسازی کنند و علناً فعال شوند و مطالبات و خواسته های جنبش کارگری را هم در عرصه مطالباتی و هم در عرصه تشکل و سازمانیابی از زاویه ای رادیکال بیان کنند.

پیشرفتهای فراوان جنبش کارگری ایران از روز کارگر سال ۱۳۸۳ تاکنون حتی برای ناظرانی که از دور امور سیاسی ایران را دنبال می کنند نیز قابل مشاهده است. سندیکای کارگران شرکت واحد و به جلو صحنه آمدن صدها فعال جنبش کارگری که در انواع تشکلهای و کمیته ها متشکل هستند، و مهمتر از همه عبور جنبش کارگری ایران از دوره بیان خواست حق تشکل به دوره اقدام عملی برای ایجاد آن همه نشانه هایی از روند رو به پیش جنبش کارگری از روز کارگر سال ۱۳۸۳ تاکنون بوده است. در یک بزنگاه تاریخی چندین عامل دست به دست هم دادند و جنبش کارگری ایران را گامها به جلو راندند. با فعالیت در خارج کشور جنبش کارگری جهانی برای حمایت از کارگران ایران آماده شده بود؛ جناح چپ جنبش کارگری در دوره اول ریاست جمهوری خاتمی خود را بازسازی کرده بود؛ مطالبات و خواسته های سرکوب شده کارگران ایران بشدت متراکم شده بود؛ در دل چنین شرایطی اقدام جسورانه محمود صالحی برای دیدار هیات کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری و سازمان دادن اول ماه سقز سال ۱۳۸۳ و حمله رژیم به آن، دست به دست هم دادند و جنبش کارگری ایران را وارد دوران کنونی کردند.

اما نقش و سهم عظیم محمود صالحی در عبور دادن جنبش کارگری ایران از دوران قبل از روز کارگر ۱۳۸۳ خلاصه نمی شود. محمود صالحی باعث عروج گرایش چپ جنبش کارگری ایران و به حاشیه رفتن گرایش راست جنبش کارگری شد که منافع عمومی آنی و آتی طبقه کارگر ایران عمیقاً در آن نهفته است. با عبور جنبش کارگری ایران از دوران بی تشکلی به دوران متشکل بودن که طبعا کم تاثیر شدن حربه سرکوب مستقیم را نیز با خود دارد، قدرت و سیادت جناح چپ جنبش کارگری ایران مانع از آن خواهد شد تا رهبران و فعالین گرایش راست بتوانند بسادگی منافع جنبش کارگری ایران را به احزاب بورژوایی و یا این یا آن جناح رژیم حامی آنها بفروشند. فروش کارگران و منافع آنها توسط گرایش راست به صاحبان سرمایه و احزاب و جناحهای دولتشان در راستای مواضع بنیادی آنهاست که بر سازش و همکاری طبقاتی بنا شده است. در صورتیکه مواضع گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری بر منافع آشتی ناپذیر طبقه کارگر و صاحبان سرمایه و صنایع قرار دارد و لذا قدرتشان خود یکی از مهمترین موانع فروخته شدن کارگرانی است که پس از رویارویی موفق با رژیم متشکل شده اند. برای برتری گرایش چپ جنبش کارگری که چیزی جز حفظ منافع آنی و آتی کارگران را در بر ندارد، محمود صالحی در زندان و در بیرون زندان یک نقش کلیدی داشت. جنبش کارگری ایران این خدمت محمود صالحی را از یاد نخواهد برد. محمود صالحی با همین یک کارش باعث شده تا آغاز فصل مهمی در تاریخ جنبش کارگری ایران با نام او همراه باشد.

زیرنویس:

۱ - برای توضیح مفصل تر رجوع کنید به "بیانیه اعلام موجودیت اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران" و همچنین به "گفتگو با فرید پرتوی"، به مناسبت انتشار بیانیه اعلام موجودیت آن، نشریه کارگر امروز، سال دوازدهم، شماره ۶۴، مرداد ۱۳۷۹.

۲ - برای آشنایی با اهداف انجمن کارگری جمال چراغ ویسی و تشکیل دهندگان آن رجوع کنید به بیانیه اعلام موجودیت آن در نشریه کارگر امروز، سال سیزدهم، شماره ۶۶، خرداد ۱۳۸۰.